



Woman in Culture and Arts

The Social Position of Women in the Alavi Government

Mohammad Javad Najafi¹ | Yahya Bouzarinejad²

1. Post-doctoral scholar of Muslim social science, Department of Islamic Social Sciences, School of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mohammadgavad71@gmail.com

2. Corresponding Author, Professor of the Department of Islamic Social Sciences, School of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: y-bouzarinejad@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2 August 2023 Received in revised form: 23 June 2023 Accepted: 29 July 2024 Published online: 1 July 2025 Keywords: <i>Women,</i> <i>Social Position of Women,</i> <i>Alavi's Government,</i> <i>Women's Role in Early Islam.</i>	The social history of women in early Islam reflects two managerial perspectives: the Prophetic governance based on divine commandments and the governance of the three caliphs, which resulted in a diminished status of women compared to the Prophetic era. According to historical records, Imam Ali (A.S) did not follow the methods of the previous caliphs during his governance. Instead, he sought to restore the status of women in society to the level achieved during the prosperous period of the Prophetic state and to implement the Prophet's (PBUH) practices. Therefore, this article focuses on examining the social status of women during Imam Ali's (A.S) rule as its central issue. The study aims to clarify the extent of Imam Ali's (PBUH) commitment to the social status of women and, as a result, the quality of women's participation in this regard. Accordingly, the research question is posed as follows: What was the social status of women during Imam Ali's (A.S) governance? The research methodology in this study is descriptive-analytical, and the data collection approach is library-based and documentary. The study's findings indicate that Imam Ali (A.S), through various initiatives for women—such as combating a culture of behavioral violence, emphasizing poetry and art, promoting education and spiritual development, supporting economic activities, and highlighting the value of women in the family structure—sought to enhance and elevate the social status of women.
Cite this article: Najafi, M. J., & Bouzarinejad, Y. (2025). The social position of women in the Alavi government. <i>Woman in Culture and Art</i>, 17(2), 153-169. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379978.2063	
 © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379978.2063	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی

محمدجواد نجفی^۱ | یحیی بوذری نژاد^۲ ✉

۱. دانش‌پژوه فوق دکتری دانش اجتماعی مسلمین، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

mohammadgavad71@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استاد گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

y-bouzarinejad@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تاریخ اجتماعی زنان در صدر اسلام نوسانات مختلفی داشته است. تحلیل این نوسانات بیان‌گر دو دیدگاه مدیریتی درخصوص جایگاه زن در جامعه است. اول نگاه دولت نبوی که برگرفته از دستوره‌های الهی است و دیگری نگاه دولت خلفای ثلاثه که تلفیقی از سلاطین خلفا و تفسیر آنان از آیات و احادیث و عملکرد دولت پیامبر (ص) است و از نتایج آن می‌توان تعدیل جایگاه زنان در دولت‌های خلفای ثلاثه نسبت به دولت نبوی را نام برد. حضرت علی (ع) در دولت خود براساس مستندات تاریخی به روش خلفا عمل نکرد، بلکه تلاش وی برای بازگرداندن جایگاه زنان در اجتماع به عصر اعتلای دوران دولت نبوی و اجرای سیره پیامبر (ص) بود. به این ترتیب جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی (ع) مسئله اصلی مقاله حاضر است. هدف پژوهش مشخص کردن میزان اهتمام حضرت علی (ع) به جایگاه اجتماعی زنان و از نتایج آن کیفیت همراهی زنان در این مقوله است. در این راستا سؤال پژوهش به این صورت طرح شده که جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی چگونه بوده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که حضرت علی (ع) با اقداماتی برای زنان نظیر مبارزه با فرهنگ خشونت رفتاری، توجه به جایگاه شعر و هنر، اهتمام به علم‌آموزی و ساخت معنوی، حمایت از کار و فعالیت اقتصادی در جامعه و برجسته‌سازی ارزش زن در ساختار خانواده، به دنبال رشد و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان بوده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
جایگاه اجتماعی زنان، دولت علوی	
(ع)، زنان، عملکرد زنان صدر اسلام.	

استناد: نجفی، محمدجواد و بوذری‌نژاد، یحیی (۱۴۰۴). جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی. زن در فرهنگ و هنر، ۱۷(۳)، ۱۵۳-۱۶۹.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379978.2063>

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379978.2063>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

دوران ده ساله حکومت نبوی (ص) اوج ارتقای جایگاه و منزلت زنان در عرصه‌های مختلف جامعه اسلامی به‌ویژه با رویکرد فرهنگی و اجتماعی بود. اعطای ارزش‌های انسانی به زنان و افزودن موقعیت اجتماعی آنان در جامعه اسلامی - که با دوران جاهلیت قابل مقایسه نبود - سبب شد تا هنجارهای اسلامی و متکی بر آموزه‌های الهی ناظر به ترفیع جایگاه و منزلت زنان در جامعه مطرح شود. رفع موانع حضور اجتماعی زنان و برداشتن ممنوعیت‌های اجتماعی و تصحیح تصورات جاهلی درباره زنان سبب شد تا عرصه‌های اجتماعی جدیدی برای حضور فعال زنان گشوده شود و تحقیرهای عصر جاهلی، جا را به ارزش‌های انسانی و تشویق‌های فرهنگی دهد. این عامل سبب شد تا در عرصه‌های مختلف اجتماعی اعم از علمی-فرهنگی، حکومتی-سیاسی و نظامی-اقتصادی، بانوان حضوری همدلانه و فعال بیابند (Jan Ahmadi & Hashemi, 2018: 45).

اما با رحلت پیامبر (ص) و حوادث سیاسی در پی آن، که به استقرار حکومت سه حاکم پیاپی منجر شد که جایگزین جانشین پیامبر (ص) شدند و با نام خلفای ثلاثه از صدر اسلام تاکنون ماندگار شده‌اند، سیره و منش حکمرانی پیامبر (ص) درخصوص زنان در موارد بسیاری دچار تغییرات شد و در مواردی هم با اعمال سلايق و انحرافات از جنس آیین و رسوم جاهلی به فراموشی سپرده شد که پرداختن به آن خود نیازمند به پژوهشی مستقل است. پس از گذر از این دوران، هم‌زمان با آغاز خلافت امام علی (ع) و استقرار دولت علوی، علی (ع) با دو روش حکمرانی مواجه بود. اول آنکه با همه سختی‌ها و تغییر سلايق و فراموشی‌ها، کج‌روی‌ها را به سمت سیره و منش مدیریتی پیامبر (ص) اصلاح کند و همچنان که در عصر نبوی صداهای مخالف شنیده می‌شد، اکنون نیز پذیرای این صداها باشد و در پی اجرای کامل فرهنگ و دستورهای اسلامی باشد یا آنکه مانند مسیر خلفای گذشته عمل کند و تغییرات هزینه‌دار برای حکومت را با توجیه مصلحت رها کند و حفظ حکومت خود را بر حفظ ارزش‌ها و مبانی حاکمیت الهی جامعه اسلامی اولویت بداند. اما حکومت در اندیشه علی (ع) بی‌ارزش‌تر از یک لنگه کفش کهنه است تا زمانی که حق برپا شود و باطل از میان برود (Sharif al-Razi, 2007: 58).

انحطاط منزلت زن در اثر اختلال در روند عمق‌بخشی فرهنگ اسلامی، بعد از پیامبر اکرم (ص) شروع به ریشه‌دواندن کرده بود. با آغاز خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) که اجرای سیره پیامبر (ص) سرمشق کار آن حضرت بود، اقداماتی صورت گرفت تا مجدداً زنان ارزش و منزلت ازدست‌رفته اجتماعی خود را بازیابند (Mohammadzadeh, 2016: 189). طرز نگرش حضرت علی (ع) به زنان برگرفته از آیات قرآن و سیره نبوی (ص) بود. ایشان در مدت کوتاه حکمرانی خود جایگاه ازدست‌رفته

زنان و سرمایه اجتماعی آنان را که گاه نشئت گرفته از خودتحقیری‌های دیکته شده از جانب سبک زندگی ترویج یافته حکومت‌های خلفای ثلاثه بود به آنان بازگرداند و در کنار احیای جایگاه سیاسی-اجتماعی آنان در جامعه، به تربیت و رشد معنوی و فکری و اجتماعی آنان به عنوان امام و رهبر امت اسلامی نیز همت گماشت. مقاله پیش‌رو با بیان گزاره‌های متقن تاریخی به دنبال اثبات این ادعاست.

۲. پیشینه تحقیق

درخصوص بررسی اوضاع و احوال زنان در دوران حکمرانی حضرت علی (ع) پژوهش‌هایی از زوایای مختلف صورت پذیرفته است که برخی محور اصلی استناددهی و غور پژوهشی خود را نهج‌البلاغه که منبع کامل سخنان، احادیث و نامه‌های آن حضرت است، قرار داده‌اند نظیر: کتاب تحلیلی زن/از دیدگاه نهج‌البلاغه که با رویکرد اندیشه‌ای و کلامی به بیان جایگاه زنان از دیدگاه حضرت علی (ع) می‌پردازد (Alaie Rahmani, 1990) و جایگاه و حقوق زن در نهج‌البلاغه (Saremi & Majidi, 2012) که نویسنده با استفاده از خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت به اثبات این موضوع می‌پردازد که حضرت علی (ع) در دوران حکمرانی خود بیش از هر مکتب مادی طرفدار زن و مدارا با زنان بوده است. در پژوهش دیگری با عنوان «بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی (ع)»، نگارنده در دو محور سیاسی-نظامی و علمی-فرهنگی به بیان زنان شرکت‌کننده در جنگ‌های حکومت حضرت علی (ع) به نفع ایشان و همچنین شعرا و راویان زن زمان ایشان اکتفا کرده است (Yousefian, 2014).

از مهم‌ترین مصادیق ارتقای جایگاه زنان در عصر دولت علوی، توجه به علم‌آموزی و رشد علمی آنان است که در این خصوص رقیه سادات مؤمن و نهله غروی نائینی در مقاله‌ای با عنوان «تعالی علمی بانوان در پرتو سیره علوی» به بررسی مؤلفه‌های کلی حضور زنان در عرصه علمی و آموزشی در دوران حکومت علوی با قلمی روایی پرداخته‌اند. کثرت روایت‌های کلامی بر گزاره‌های تاریخی در این پژوهش مشهود است؛ به‌ویژه روایت‌هایی که برگرفته از تکریم زنان و توجه به علم‌آموزی آنان در درون خانواده است که برای اثبات آن به منش و سیره فردی حضرت علی (ع) در دوران قبل از حکومت ایشان پرداخته است. در ادامه اثبات می‌کند که در دیدگاه علی (ع) زنان نه تنها از لحاظ قابلیت علمی و استعداد عقلی متفاوت نیستند، بلکه آن حضرت به رشد و شکوفایی علمی زنان توجهی خاص داشته‌اند (Momen & Gharavi Nayini, 2015). در مقاله دیگری با عنوان «جایگاه زنان در عصر امامت امیرالمؤمنین علی (ع)، (۱۱-۴۱ هجری قمری، آغاز عصر تأویل)» نویسندگان با رویکردی روایی و تحلیلی به شرح مختصری از فرایند نزول جایگاه زنان در زمان

خلفای ثلاثه و سپس احیای آن در زمان حکمرانی علوی می‌پردازد که در این پژوهش پرداختن به جنبه‌های سیاسی و حکومتی دولت‌ها نسبت به جایگاه اجتماعی زنان مصادیق روایی بیشتری را شامل می‌شود و بررسی گزاره‌های تاریخی در این موضوع انجام نشده است (Ohadi Haeri & Haji Rajab Ali, 2008).

با بررسی این پژوهش‌ها و سایر تحقیقات مرتبط، مستدل است که اولاً پژوهش مستقلی که به تبیین جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی بپردازد، انجام نشده است. دوم آنکه پژوهشی که به‌طور خاص با مصادیق تاریخی و روایی جایگاه اجتماعی زنان را در این بازه زمانی تبیین کند، نیز موجود نیست. بدیع‌بودن این موضوع می‌تواند بر کثرت استناد به محتوای پژوهش جدید تأثیر بسزایی داشته باشد.

۳. تعریف مفاهیم: دولت علوی

پیامبر (ص) پس از ورود به مدینه و برقراری قدرت قضایی و سیاسی و اجتماعی، اولین پیمان‌نامه عمومی را در سال اول هجری تدوین کردند. نکته مهم در پیمان‌نامه این بود که برخلاف نظام قبیله‌ای، از لفظ امت واحده استفاده شد. در این پیمان، عقیده و معنویت دینی، همراه با وحدت ملی مورد توجه بود و براساس یکی از بندهای آن، همه گروه‌ها و طبقات شهر ناگزیر به حمایت از شهر مدینه به‌عنوان کانون قدرت معنوی و سیاسی اسلام شدند. درواقع نخستین دولت نوپای اسلامی، براساس قوانین قرآن و دستورهای پیامبر (ص) ایجاد شد؛ بنابراین کاربرد دولت به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها که تصمیم‌های جمعی را برای جامعه تدوین و اجرا می‌کند، بر نظام تأسیس‌شده توسط رسول‌الله (ص) منطبق است و هر چهار عامل اساسی زیربنای دولت شامل جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت را دارد (Montazer al-Qaim, 2016: 224-226).

با رحلت پیامبر (ص) و شکل‌گیری سقیفه بنی‌ساعده و انحراف در مسیر رهبری الهی امت اسلامی، ابوبکر به‌عنوان خلیفه و حاکم حکومت اسلامی تعیین و به مدت دو سال و چهار ماه عهده‌دار دولت اسلامی شد (Tabari, 1968, Vol. 2: 614). پس از درگذشت خلیفه اول، عمر بن خطاب با وصیت ابوبکر به خلافت و ریاست دولت اسلامی رسید (Ibn Saad, 1989, Vol. 3: 343) و مدت دولت او ده سال و شش ماه بود (Tabari, 1968, Vol. 3: 292). با کشته‌شدن عمر توسط فیروز (ابو لؤلؤ) غلام مغیره بن شعبه و تشکیل شورای شش نفره خلافت به دستور عمر، عثمان بن عفان در ذی‌الحجه سال ۲۳ هجری، به‌طور رسمی حاکم دولت اسلامی شد و تا ذی‌الحجه سال ۳۵ هجری که توسط شورشیان کشته شد، عهده‌دار دولت اسلامی بود (Tabari, 1968, Vol. 3: 292).

411). با کشته شدن عثمان، طیف گسترده‌ای از مردم جامعه اسلامی به محوریت مهاجرین، انصار، مردمی از کوفه، مصر و بصره که بر ضد عثمان در مدینه گرد آمده بودند، با حضرت علی (ع) به عنوان رئیس دولت اسلامی بیعت کردند (Tabari, 1968, Vol. 3: 450). آن حضرت به مدت چهار سال و نه ماه (تا شهادت به دست ابن ملجم مرادی در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری) رئیس حکومت اسلامی بود (Abulfaraj Esfahani, 1965: 47) و چون سیاست‌های دوران حکمرانی آن حضرت روشی کاملاً متفاوت با خلفای پیشین داشت و پیروی از سیره آنان را دربرداشت و نیز نوع انتخاب ایشان به خلافت بر مبنای اقدام خلفای پیشین نبود، از این بازه زمانی به عنوان دوران دولت علوی یاد می‌شود.

۴. چار چوب مفهومی: جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی

جایگاه اجتماعی یکی از مؤلفه‌هایی است که همه انسان‌ها به گونه‌ای در طلب آن هستند. نظم اجتماعی بر اساس جایگاه اجتماعی انتسابی یا اکتسابی افراد مشخص می‌شود و بسیاری از تعارض‌های ارتباطی نتیجه نقض و بی‌توجهی به جایگاه اجتماعی پنداشته می‌شود. در پاسخ به اینکه جایگاه اجتماعی چیست می‌توان آن را هم نوعی نیاز روانی دانست و هم در هر کنش اجتماعی، در سطوح ابتدایی تا کلان، ابراز آن را مشاهده کرد؛ برای نمونه در سطوح ابتدایی، جایگاه اجتماعی با مسئله به حساب آمدن، محبوبیت و دوست‌داشته شدن مرتبط است و در سطوح کلان با ارزش‌های فرهنگی است. همچنین تداوم وضعیت و جایگاه اجتماعی نیز متأثر از این عوامل است؛ اگرچه حاکمیت بیشترین تأثیر را بر این عوامل دارد (Nemati, Shahidani, Sawaqib, & Shahrokhi, 2021: 305).

براین اساس هدف پژوهش پیش‌رو شناخت جایگاه اجتماعی زنان در دولت علوی، با بررسی میزان و کیفیت ارزش‌گذاری حاکمیت به زنان در ابعاد اجتماعی و فرهنگی جامعه و به تبع آن تشریح میزان عملکرد زنان در اجتماع بر اساس مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مذکور در بازه دولت علوی است.

۵. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. به این منظور، تبیین‌های صورت گرفته مبتنی بر مفهوم پیوستگاری در تاریخ، یعنی تبیین یک رویداد از طریق شناسایی روابط درونی آن رویداد با رویدادهای دیگر و قراردادن آن در بستر تاریخی خود است (Stanford, 2003: 140). از این‌رو در این پژوهش، جایگاه اجتماعی زنان که به تبع آن با

عملکرد فرهنگی و اجتماعی نیز توأم است، براساس گزاره‌های تاریخی در بازه زمانی دولت علوی استخراج و تحلیل می‌شود.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. برجسته‌سازی جایگاه و ارزش زن در ساختار خانواده اسلامی

حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود بر برجسته‌سازی و نشان دادن نقش زنان در اعتلای خانواده‌های اسلامی تأکید داشت و یکی از ابعاد مهم جهاد زنان را در خطبه‌های خود همسرمداری آنان معرفی می‌کرد (Nahjol-Balaghe: Speech 136) و مراد وی از همسرمداری، اطاعت زن از همسرش و تأمین تمام نیازهای مادری و عاطفی برای او و فرزندان اوست، تا همواره علاقه‌مند به او باشد و تنها به او بپردازد؛ بنابراین در نگاه آن حضرت، این زن دافع و مانعی است که مرد را از حرام بازمی‌دارد و حفاظی است که او را از پیشامدهای روزگار حفظ می‌کند (Bizoun, 2013: 47). آن حضرت -قبل از دوران حکومت نیز- به همسران خود به‌ویژه حضرت زهرا (س) بسیار احترام می‌گذاشت و در امور خانه در اموری چون آوردن هیزم و آب و... کمک می‌کرد و کمک کردن به زن در خانواده را عیب و عار نمی‌دانست (Majlesi, 1995, Vol. 38: 81-90).

حضرت علی (ع) درخصوص شکل‌گیری خانواده اسلامی که شروع آن با ازدواج بود، مطابق دستورالعمل پیامبر (ص) عمل می‌کرد و اقدامات برخی از خلفا که مهریه‌های سنگین را در جامعه به‌خصوص برای دختران خود ترویج داده بودند قبول نداشت. علی (ع) معتقد بود مهریه‌های خارج از عرف و زیاد برای زنان سبب کدورت و دشمنی بین زن و شوهر می‌شود و تأکید می‌کرد که در امر ازدواج، مهریه‌های سنگین پرداخت نشود (Tabarsi, 1998: 237) و از آن طرف نیز توجه داشت تا حق زنان در این امر ضایع نشود و می‌فرمود: «مردان باید مهر زنان را بپردازند و کسی که در پرداخت آن بر زنان ستم روا دارد، گویا با زن زنا می‌کند» (Rashad, 2018, Vol. 5: 95).

ایشان مهریه زنان را با رضایت خود آنان آموختن و تعلم قرآن قرار می‌داد (Ibn Athir, 1988, Vol. 7: 105). ملاک‌هایی که حضرت علی (ع) در امر ازدواج و تشکیل خانواده در پی ترویج آن در جامعه اسلامی بود، خود سبب می‌شد ارزش و جایگاه زنان عیاری خاص پیدا کند؛ به‌نحوی که آن حضرت تأکید می‌فرمود که از ازدواج با زنان نادان و بی‌دانش پرهیز شود (Horamoli, 1982, Vol. 57: 14). وی مخالف ازدواج اجباری و تحمیلی به زنان بود. هنگامی که خلید بن کاس، حاکم نیشابور، با پادشاه ایرانی رزمید و وی را مغلوب ساخت، دخترش را به اسارت گرفت و نزد امیر مؤمنان (ع) روانه کرد. وقتی دختر کسری بر حضرت وارد شد، به امام پیشنهاد ازدواج داد، اما حضرت امتناع کرد.

مسلمانی ایرانی تبار از امام علی (ع) خواست که او را به ازدواج وی درآورد. حضرت در پاسخ فرمود: «او اختیاردار زندگی خود است.» سپس به او رو می‌کند و می‌گوید: «هر جا می‌خواهی برو و با هر که دوست داری ازدواج کن.» (Rashad, 2018, Vol. 6: 105; Dinevari, 1988: 144).

توجه حضرت علی (ع) به بنیان خانواده و نقش زنان مستدام بود. ایشان به اصحاب خود دستور می‌داد: «برای اهل و عیال خود در هر روز جمعه مقداری میوه تازه بخريد تا در جمعه خشنود شوند و نسبت به شعایر اسلامی احترام کرده محبتشان به دین زیاد شود» (Majlesi, 1995, Vol. 101: 73).

۶-۲. مبارزه با فرهنگ خشونت رفتاری با زنان

معاویه در جنگ صفین نذر کرده بود اگر بر علی (ع) غلبه کند، زنان قبیلهٔ ربیعہ را که به حمایت از امیر مؤمنان علی (ع) برخاسته بودند، به بردگی بگیرد و هر زنی را که جنگیده باشد به قتل رساند (Nasr bin Muzahm, 1991: 294). در صورتی که علی (ع) در همان جنگ لشکریان خود را به خوش رفتاری با زنان سپاه دشمن دعوت می‌کرد (Horumoli, 1982, Vol. 15: 95; Koleyani, 1980, Vol. 5: 39). در خلال این جنگ، یکی از زنان طرف مقابل حضرت علی (ع) به نام صفیه بنت حارث با صدای بلند خطاب به امیر مؤمنان علی (ع) با کلمات دون شأنی گفت: «ای علی، ای کشندهٔ دوستان و ای پراکنده‌ساز مردمان؛ خدا فرزندان را یتیم کند، همان‌طور که مسبب یتیم‌شدن فرزندان زیادی شدی.» در این لحظه یکی از بزرگان قبیلهٔ بنی‌ازد بصره با خشم فراوان شروع به پاسخ‌دادن به وی شد. حضرت علی (ع) خشمگین شد و فرمود: «ای مرد! ساکت باش و پرده‌ها را پاره نکن و زنی را با زخم‌زبان به هیجان مياور، گرچه به حیثیت شما دشنام دهند و فرمانروایان و نیکان شما را سفیه دانند؛ چرا که آنان ناتوان‌اند. آن روز که مشرک بودند، ما مأمور بودیم از آنان دست برداریم. مردی که با زن رودررو شود و او را کتک زند، نسل او به این خاطر سرزنش می‌شود. پس مبادا به من خبر رسد که کسی متعرض زنی شده است که او را به‌سان بدترین مردم کیفر خواهم داد» (Ibn Athir, 1968, Vol. 3: 256). امیر مؤمنان علی (ع) حتی پس از ضربت‌خوردن در ۱۹ رمضان در آخرین وصایای خود نسبت به زنان سفارش کرد و فرمود: «خدا را خدا را، نسبت به زنان و بردگان، زیرا آخرین سخن پیامبر بر شما این بود که شما را نسبت به زنان و بردگان سفارش می‌کنم» (Nahjol-Balaghe: Speech 89).

۳-۶. توجه به جایگاه شعر و هنر برای زنان

طبع شاعرانه و ادبی اعراب، چه در دوره جاهلیت و چه پس از پذیرش اسلام، موجب شده بود استفاده از فن خطابه، شعر و رجزخوانی نقش مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی مردم در عصر علوی ایفا کند. قدرت و تسلط عرب در فنون خطابه و سخن‌سرایی و شعر و شاعری، اگر در تمام جهان بی‌نظیر نباشد، به‌طور حتم کم‌نظیر بوده است (Davani, No date: 37). حضرت علی (ع) در دوران حکمرانی خود زنان را از حضور و فعالیت در این عرصه مهم هنری و رسانه‌ای محروم نکردند. برخی از شاعران بزرگ و نامی زن در زمان دولت علوی عبارت‌اند از: ضبیعه بنت خزیمه (Ibn Masoudi, 2009, Vol. 1: 360)، بنت ابوبکر بن حماد (Mohammadzadeh, 2016: 191)، حوریه بنت خالد کثانه (Abi al-Hadid, 1958, Vol. 8: 42 Amin, 2011, Vol. 7: 32)، عمره بنت مرداس (دختر خنساء شاعر معروف عرب) که داستان زندگی وی نیز شبیه مادر بزرگش بود و زمانی که دو برادرش به نام یزید و عباس در نزاع‌های قبیله‌ای کشته شدند، مرثیه‌های غمناکی همچون مادرش می‌سرود (Zarkali, 2017, Vol. 5: 235). اروی بنت حارث بن عبدالمطلب (Asghalani, 1994, Vol. 8: 227) که اشعار وی در حمایت از حضرت علی (ع) چه در زمان ایشان و چه پس از شهادتشان موجب رنجش معاویه و شامیان شده بود (Ondolusi, 1991, Vol. 4: 424; Ibn Athir, 1988, Vol. 4: 390; Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 46)؛ ام ذریح العبدیه که در مذمت عایشه در جنگ جمل اشعاری پرمعنا همراه با رعایت آداب اسلامی و دوری از هرگونه هجو و اهانت نقل کرده است (Ibn Abi al-Hadid, 1958, Vol. 9: 12)؛ ام هیثم بنت اسود نخعیه - که از شدت ارادت و علاقه‌ای که به حضرت علی (ع) داشت جنازه قاتل ایشان را سوزانید- (Amin, 2011, Vol. 3: 488)؛ ام مسلم بن عبدالله - که فرزندش حامل پیام حضرت علی (ع) برای لشکر مقابل به صلح و دوری از جنگ بود و در مقابل دیدگانش تیرباران شد و مرثیه جانسوز وی در رثای فرزندش معروف شد و تا آخر عمر از حامیان سرسخت دولت علوی بود (Ibn Abi al-Hadid, 1958, Vol. 9: 112)؛ و هند بنت زید بن مخرمه انصاری از شاعران برجسته و فعالان اجتماعی در کوفه که با زبان گویای خود و پایگاه اجتماعی‌اش به روشنگری علیه معاویه می‌پرداخت (Ibn Athir, 1968, Vol. 6: 674).

۴-۶. اهتمام به علم‌آموزی زنان

زنان نقش مهمی در نقل سخنان امیرالمؤمنین علی (ع) داشتند. نام بعضی از آنان به‌عنوان محدث و راوی روایات آن حضرت در کتب تاریخی و روایی آمده است (Mohammadzadeh, 2016: 19).

آن حضرت در زمان حکومتش دستور اکید به کتابت و نگارش علم می‌کرد که این رویکرد موجب تحولی گسترده در علوم اسلامی شامل کلام، منطق، حدیث، ادبیات عرب و... شد (Ibn Saad, 1989, Vol. 6: 447).

در ادامه، شاخص‌ترین بانوان علمی در زمان حکومت حضرت علی (ع) براساس مستندات تاریخی و روایی بررسی و معرفی می‌شوند:

شیخ صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه* می‌نویسد: از راویان و محدثان زن در زمان امیرالمؤمنین (ع) زنی به نام ام‌مقدم ثقفی بود که علاوه بر کتابت و روایت احادیث در جنگ‌های زمان حضرت علی (ع) همراه ایشان حاضر می‌شد و در این راه تا سر حد جان مجروح شد (Sadouq, 1983, Vol. 4: 29). زرقاء بنت عدی بن قیس کوفی از برجسته‌ترین ادیبان کوفه در زمان حضرت علی (ع) بود و فنون ادبیات عرب را از استادان این علم در کوفه آموخته بود (Kahaleh, 1982, Vol. 1: 50). ام رعله قشیری از زنان شاعر زمان پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) بود و در زمان خلافت حضرت علی (ع) هم از حامیان سرسخت ایشان بود. وی زنی عالم در علوم کلامی و حدیثی و بسیار ناطق و فصیح بود (Ibn Athir, 1988, Vol. 6: 331; Amin, 2011, Vol. 3: 478).

ام‌الخیر بنت حریش بن سراقه بارقیه از محدثان و متکلمان شیعه در کوفه که در جنگ صفین شرکت می‌کرد و با خطبه‌های آتشین و بصیرت افزایش مورد تهییج لشکریان و آگاهی بخشی به افراد منحرف‌شده می‌شد (Ibn Abi Tefur, 1958: 36; Amin, 2011, Vol. 3: 476). ام‌الحسن نخعیه از محدثان و اصحاب امیرالمؤمنین (ع) که کلینی، شیخ طوسی و شیخ انصاری از وی احادیث مختلفی را نقل کرده‌اند (Khoei, 1992, Vol. 23: 175; Koleyni, 1980, Vol. 5: 311).

عمره بنت طیبخ از برجسته‌ترین راویان حدیث در مدینه در زمان حکومت علوی بود که صاحب کرسی درس و تدریس برای بانوان به‌شمار می‌آمد (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 485). زینب بنت ابوسلمه فقیه سرشناس مدینه در زمان دولت حضرت علی (ع) که زنان به وی مراجعه می‌کردند و سؤالات دینی خود را از وی می‌پرسیدند (Belazari, 1996, Vol. 1: 235; Tusi, 1994: 133).

سهبه بنت عمر از راویان زن حدیث در دولت علوی بود که در بصره کرسی درس و نشر علوم اسلامی برای زنان داشت و شاگردان زیادی از زنان را تربیت کرد (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 470). سوده همدانی (بنت عماره بن اشتر) از شاعران معروف زن و راویان حدیث در دوران حکومت علوی بود که در قالب شعر در اجتماع نسبت به روشنگری علیه معاویه اقدام می‌کرد و سخنرانی‌های غرا و علمی زیادی در جمع زنان جامعه داشت. وی از زنانی است که پس از شهادت حضرت علی توسط معاویه احضار شد (Ibn Abi Tefur, 1958: 50; Amin, 2011, Vol. 7: 324).

جروه بنت مره بن غالب تمیمی از اساتید مسلط به علم انساب و محدث و متکلم برجسته زن و از شاگردان و اصحاب حضرت علی (ع) بود که در نزد ایشان این علوم را آموخته بود (Jafarian, 2003: 29). حله خدمتگزار شیبان از عالمان زن و استادان مبرز در علم رجال در دولت علوی است (Kahaleh, 1982, Vol. 1: 288). همچنین اندیشمندان، دانشمندان، متکلمان و محدثان زن فراوان دیگری در دوره حکومت حضرت علی (ع) از آنان نام برده شده است؛ چون عمره بنت نفیل (Tusi, 1994: 66)، حبیبه بنت شریق (Asghalani, 1994, Vol. 8: 270)، راثه بنت حیان (Ibn Abi Athir, 1988, Vol 6: 105)، ذره بنت معاذ (Kahaleh, 1982, vol. 1: 426)، ام اسلم (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 297)، نضره بنت ازدیه (Tusi, 1994: 92)، ام خارجه همسر زید بن ثابت انصاری (Ibn Athir, 1988, Vol. 6: 324)، ام موسی (Asghalani, 1994, Vol. 8: 385)، خدمتگزار امیرالمؤمنین (ع)، حبیبه، فاخته (ام هانی)، نضره و... (Mohammadzadeh, 2016: 19).

۵-۶. اهتمام به تربیت دینی و ارتقای معنوی زنان

خوله بنت ایاس بن جعفر حنفیه از اسیران بنی حنفیه در زمان خلافت ابوبکر بود که علی (ع) او را ابتدائاً خرید و سپس آزاد کرد، اما وی بعداً همسر ایشان شد و برای ایشان محمد حنفیه را آورد که بعدها از مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام شد. این زن اسیر بعد از ازدواج با حضرت علی (ع) به جایگاهی از فضیلت‌های علمی و اخلاقی چون علوم بلاغی رسید که منابع سنی و شیعی در منزلت وی اتفاق نظر دارند (Asghalani, 1994, Vol. 8: 281).

فاطمه بنت حزام بن خالد (معروف به حضرت ام‌البینین (س)) دیگر همسر ایشان، زنی ادیب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش بود. او همچنین بانویی شجاع، فداکار، صاحب علم و مقام زهد و صلاح و تقوی و بسیار بافضیلت بوده است (Al-Hasoon, 2001: 575). حضرت زینب (س) دختر بزرگوار حضرت علی (ع)، در زمان خلافت پدر در کوفه مجلس درس و تفسیر قرآن داشت و به ارشاد و تعلیم زنان می‌پرداخت و حتی گاه مردانی مانند عبدالله بن عباس در کلاس درس ایشان حاضر می‌شدند (Abulfaraj Esfahani, 1965: 95). زینب کبری (س) یکی از راویان حدیث امیرالمؤمنین (ع) است که در زمان حیات پیامبر (ص) به دنیا آمد و به سال ۶۱ تا ۶۲ بدرود حیات گفت. از ایشان به صدیقۀ صغرا، عقیده بنی‌هاشم، عالمه غیر معلمه و... مفهمه یاد شده است. این بانوی بزرگوار در فصاحت و بلاغت، زهد و تقوا، عبادت و تهجد مانند پدر و مادر گرامی‌اش بود و هرگاه لب به سخن می‌گشود، چنان بود که گویا علی (ع) سخن می‌گفت. سخنان زینب کبری (س)

پس از شهادت برادرش و خطبه‌های او در بازار کوفه و مجلس یزید همگان را به حیرت واداشت. امام سجاد (ع) و جابر بن عبدالله انصاری، فاطمه بنت الحسین، محمد بن عمرو، عطاء بن سائب و عباد عامری از حضرت زینب (س) روایت نقل کرده‌اند و آن حضرت از مادرش و پدرش و اسماء بنت عمیس وام ایمن روایت کرده است (Gharavi Nayini, 1996: 189).

فاخته بنت ابی طالب (ام هانی)، خواهر حضرت علی (ع)، از محدثان و متکلمان حدیثی بود که از محضر ایشان سالیان دراز کسب علم کرد و خود صاحب کرسی درس و وعظ و خطابه بود. ام هانی تا اواخر سال ۴۰ هجری در قید حیات بود و از زنان فعال در عرصه‌های اجتماعی در عصر حکومت علوی است (Kahaleh, 1982, Vol. 3: 122; Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 115; Ondolusi, 1991, Vol. 4: 1935; Zarkali, 2017, Vol. 5: 322).

جمانه بنت ابوطالب (خواهر دیگر حضرت علی (ع)) از زنان عالمه در ادبیات عرب و متکلمان زن در دوران حکومت حضرت علی (ع) بود (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 47). آنچه از بررسی احوال و سرگذشت زنان نزدیک به حضرت علی (ع) قابل نتیجه‌گیری است این است که قاطبه این افراد از جایگاه برجسته علمی و تربیتی برخوردار بوده‌اند یا در بازه درک وجود آن حضرت به ارتقای این روحیات نائل آمده‌اند و علاوه بر اینکه شخصیت وجود امام علی (ع) در رشد و نمو معنوی و شخصیتی آنان مؤثر بوده است، اهتمام و تأکید آن حضرت به علم‌آموزی و اثرگذاری بر جامعه انسانی براساس تعالیم الهی عامل پیشرفت و حرکت مطلوب آنان در زندگی فردی و اجتماعی خود بوده است.

۶-۶. حمایت از کار و فعالیت اقتصادی زنان در جامعه

در نظام اقتصادی دولت علوی انسان برای کمال و سعادت خلق شده، کار و تلاش او نیز در جهت کمال وی است (Hajian Hosseinabadi, 2018: 106). سیره اقتصادی ایشان از پشتوانه آیات قرآن کریم و سنت نبوی برخوردار است. حضرت علی (ع) بر همین اساس و برگرفته از نص صریح آیات قرآن کریم که کسب و تلاش اقتصادی زنان را محترم می‌شمرد (نساء: ۷) و آنان را صاحب ارث می‌داند (نساء: ۳۲). نه تنها مانعی برای حضور و فعالیت آنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی نظام اسلامی و سودمندی آنان نمی‌شود، بلکه علاوه بر تأیید و حمایت مستقیم، در سیاست‌گذاری اقتصادی نیز بارها به کارگزاران خود بر شایسته‌سالاری و اجتناب از قومیت‌گرایی و خواص‌زدگی تأکید می‌کند و حق برخورداری اموال عمومی و شهروندی -آن‌چنان که در نامه‌های ۴۳ و ۵۳ نهج البلاغه تأکید می‌کند- را برابر می‌داند (Hajian Hosseinabadi, 2018: 118).

در دولت علوی این امکان برای زنان وجود داشت تا در سایر زمینه‌های تخصصی علمی نیز رشد و پیشرفت داشته باشند و فعالیت شغلی و اقتصادی کنند. از جمله این زنان زنی به نام حبابه بود که در زمینه داروسازی تبحر و فعالیت داشت. حضرت علی (ع) علاوه بر آنکه شغل وی را تأیید کرده بودند، حکم حرمت استفاده از برخی از داروها را نیز به وی آموخته بودند (Majlesi, 1995, Vol. 63: 487& Vol. 80: 133& Vol. 96: 118& 197; Koleyni, 1980, Vol. 3: 181).

همچنین حکومت به محوریت خود آن حضرت از زنانی که در زمینه پزشکی مشغول بودند، به‌طور مستقیم حمایت می‌کرد؛ به شکلی که علاوه بر تأیید و امکان فعالیت آنان، حضرت علی (ع) برخی از علوم پزشکی نظیر روش‌های تشخیص بیماری و نحوه درمان برخی امراض را به این زنان آموزش می‌دادند و جلسات علمی و بی‌واسطه‌ای بین ایشان و این زنان برگزار می‌شد (Erbali, 1984, Vol. 1: 173; Ondolusi, 1991, Vol. 4: 456; Majlesi, 1995, Vol. 59: 266, 88, 89, 122).

ام الحسن نخعیه نیز که از زنان محدث و اصحاب برجسته امیرالمؤمنین (ع) بود و صاحب کرسی نقل حدیث و روایت بود (Khoie, 1992, Vol. 23: 175; Koleyni, 1980, Vol. 5: 311)، به شغل نخریسی هم اشتغال داشت و با درآمد آن روزگار می‌گذرانید و امیر مؤمنان علی (ع) نیز شغل او را تأیید کرده بود (Mohammadzadeh, 2016: 19).

البته حمایت حضرت علی (ع) از حضور زنان در عرصه فعالیت اقتصادی جامعه آن روز با پیوست دینی و رعایت احکام شرعی میسر بود و حواشی آن از توجه آن حضرت دور نبود. چنان‌که آن حضرت در جایی خطاب به برخی، سرزنش و عتاب می‌کنند: «چرا زنان در بازارها به مردان تنه می‌زنند؟ آیا غیرت ندارید؟ آن که غیرت ندارد، خیری در او نیست» (Rashad, 2018, Vol. 5: 97).

۷. نتیجه‌گیری

دولت علوی پس از سقوط دولت خلیفه سوم و به اصرار مردم به رهبری و ریاست حضرت علی (ع) پس از بیست و پنج سال از رحلت پیامبر (ص) تشکیل شد. این فاصله زمانی و نوع نگاه حاکمیت جامعه اسلامی در دگرگونی ارزش‌های جامعه آن روز که بخش زیادی از آن از سیاست‌گذاری و سیره مدیریتی خلفا نشئت می‌گرفت، اثرگذار بود. از مهم‌ترین ارزش‌های دگرگون‌شده اجتماعی هم‌عصر آغاز خلافت حضرت علی (ع)، توجه و سیاست‌گذاری بر جایگاه زنان در جامعه اجتماعی آن روز بود. علی (ع) در سیاست کلان دولت خود نسبت به این موضوع به دنبال احیای ارزش‌های فراموش‌شده و بازگشت جایگاه اجتماعی آنان مشابه دوران دولت نبوی بود. لذا براساس اعتقاد راسخ به مبانی عمیق اسلامی و سیره حکمرانی نبوی، با فرمان‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات مختلف فرهنگی،

اجتماعی، آموزشی و... تصویری مطلوب از جایگاه اجتماعی زنان در دولت خود ارائه کرد که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

برجسته‌سازی جایگاه و ارزش زن در ساختار خانواده اسلامی
مبارزه با فرهنگ خشونت رفتاری با زنان
توجه به جایگاه شعر و هنر برای زنان
اهتمام به علم‌آموزی زنان
اهتمام به تربیت دینی و ارتقای معنوی زنان
حمایت از کار و فعالیت اقتصادی زنان در جامعه

رویکرد دولت علوی نسبت به زنان سبب حضور و فعالیت مؤثر آنان در عرصه‌های اجتماعی و اعتلای ارزش و جایگاه آنان در جامعه و یادآوری نقش مهم آنان در پیشبرد اهداف حکومت اسلامی در زمینه‌های مختلف شد و زنان را از خود تحقیری‌های ناشی از دیکتۀ سیاست‌های غلط نسبت به آنان رهایی بخشید. هر جامعه بشری از آزادی عمل و بیشتر دیده‌شدن و به حساب آمدن استقبال می‌کند. زنان نیز در دولت علوی، هم‌پای مردان در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضوری فعال و نقشی پویا ارائه کردند و از فرصت به‌وجودآمده در ایفای نقش اجتماعی خود، بهره‌مندی لازم را بردند.

۸. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Holy Qur'an (In Arabic, with Persian translation)
- Abulfaraj Esfahani, A. (1965). *Muqatil al-Talbeen*. Qom: Daroolketab. (In Arabic)
- Alaie Rahmani, F. (1990). *Women from the perspective of Nahj al-Balagheh*. Tehran: Publishing Center of Islamic Propaganda Organization. (In Persian)
- Al-Hasoon, M. (2001). *Declaring the Women of the Faithful*. Tehran: Dar Al-Nashar. (In Arabic)

- Amin, S. M. (2011). *Ayan al-Shia*. Beirut: Dar al-Ta'arf Lelmatboat. (In Arabic)
- Amoli, S. J. M (2006). *Eternal Life*; Translation and summary of my Sahih book, *Seerah al-Nabi al-Azam*. Research and translation by: M. Sepehari. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute. (In Persian)
- Asghalani, A. (1994). *Al-Esabe fi Ma'arefate al-Sahabe*. Investigation: A. A. Al-Mowgoud & A. M. Moawaz. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiyyah. (In Arabic)
- Belazari, A. (1996). *Ansaab al-Ashraf*. Research: M. B. Al-Mahmoudi. Beirut: Al-Alami Institute for the Press. (In Arabic)
- Bizoun, L. (2013). Women in Islam. *Nahj al-Balagha Researches*, 21(75), 34-65. <http://noo.rs/5evfM> (In Persian)
- Dashti, M. (2000). *Translated by Nahj al-Balagheh*. Qom: Mashoor Publications. (In Persian)
- Devani, A. (No date). *History of Islam from the beginning to the migration*. Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Dinevari, A. (1988). *Akhbar al-Tawwal*. Research: A. M. Amer. Qom: Al-Razi Manshurat. (In Persian)
- Erbali, A. (1984). *Kashf al-Ghamma fi Ma'rafa al-A'imah*. Beirut: Dar al-Azwa. (In Arabic)
- Gharavi Nayini, N. (1996). *Shia Hadiths*. Tehran: Tarbiat Modares University Publications. (In Persian)
- Hajian Hosseinabadi, R. (2018). Methods of combating economic corruption in the Alavi government. *Nahj al-Balaghe Research Journal*, 18(2), 101-124. https://www.nahjmagz.ir/article_113637.html (In Persian)
- Horamoli, M. (1982). *Al-Wasal al-Shia to the study of Shari'a issues*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi. (In Arabic)
- Ibn Abi al-Hadid, A. (1958). *Commentary on Nahj al-Balagheh*, researched by: M. Abulfazl Ibrahim. Beirut: Dar Ahya al-Katb al-Arabiya. (In Arabic)
- Ibn Abi Tefur, A. (1958). *Balaghat al-Nisa*. Qom: Al-Haidariyya School. (In Arabic)
- Ibn Athir, A. (1966). *Al-Kamal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
- Ibn Athir, A. (1988). *Asdalghabah Fi Maarefate al-Sahabah*. Beirut: Dar al-Fekr. (In Arabic)

- Ibn Saad, M. (1989). *Tabaqat al-Kubari*. Researched by: M. Abdul Qadir Atta. Beirut: Daraktab Al-Alamiya. (In Arabic)
- Jafarian, R. (2003). *History of the Caliphs*. Tehran: Dalil-e Ma Publications. (In Persian)
- Jan Ahmadi, F., & Hashemi, R. (2018). Sociological approaches of women's social roles in the institutions of Madinah al-Nabi at the beginning of Islam. *Historical Sociology*, 11(1), 45-64. <http://jhs.modares.ac.ir/article-25-21215-fa.html> (In Persian)
- Jazayeri, S. N. (1385). Zaynabiyah's Characteristics (Characteristics of Hazrat Zainab). Translated by: N. Bagheri Bidhandi. Qom: Jamkaran Holy Mosque Publications. (In Persian)
- Kahaleh, O. (1982). *Al-Aalam Fi Aalemi AL-Arab Va AL-Islam*. Beirut: Al-Resalah Publishing Institute. (In Arabic)
- Khoei, S. A. (1992). The dictionary of Rijal al-Hadith and the description of Tabaqat Al-Rawah. Tehran: Towhid Publishing House.
- Koleyni, M. (1980). *Al-Kafi*. By the effort of: A. Ghafari. Beirut: Dar Saab-Dar Taqran. (In Arabic)
- Majlesi, M. B. (1995). *Bihar Al-Anwar*. Tehran: Islamic Bookstore. (In Persian)
- Masoudi, A. (2009). *Morouj al-zahab and Ma'aden Al-Jawhar*. Translated by: A. Payandeh. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Mohammadzadeh, M. (2016). *Women of the Infallible Imams (AS) and Women with the Infallible Imams (AS)*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Momen, R. S., & Gharavi Nayini, N. (2015). Scientific excellence of women in the light of Alavi way of life. *Nahj al-Balagha Research Journal*, 16(48), 19-41. <http://noo.rs/LT0VI> (In Persian)
- Montazer al-Qaim, A. (2016). *History of Islam until the 40th year of Hijri*. Isfahan: Isfahan University Press. (In Persian)
- Nasr bin Muzahm (1991). *Waqeh Safin*. Translated by: P. Atabaki. Tehran: Islamic Revolution Publications and Education. (In Persian)
- Nemati, M. A., Shahidani, Sh., Sawaqib, J., & Shahrokhi, S. A. (2021). Investigating the social status of Safavid era painters from the perspective of historical texts (1148-907 AH). *Historical Sociology Quarterly*, 13(2), 301-349. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23221941.1400.13.2.6.7> (In Persian)

- Ohadi Haeri, P. D., & Haji Rajab Ali, K. (2008). The position of women in the age of Imamate of Amir al-Mu'minin Ali (AS) (11-41 A.H., the beginning of the era of Taweel). *Shia Women's Magazine*, 17(3), 73-108. (In Persian)
- Ondolusi, Y. (1991). *Al-Estiaab fi Ma'arefate al-Sahabe*. Research: A. M. Al-Bajawi. Beirut: Dar al-Jeel. (In Arabic)
- Rashad, A. A. (2018). *Encyclopaedia of Imam Ali (AS)*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Reisman, L., & Angita, M. (2013). *Sociology of strata and social barbarism*. Translated by: M. Qolipour. Tehran: Dzadak. (In Persian)
- Sadouq, M. (1983). *Man Laihzara Al-Faqih*. Qom: Islamic Publications of Qom Seminary Community of Teachers. (In Arabic)
- Saremi-Garavi, S., & Majidi, H. (2012). The Status and Rights of Women in Nahj al-Balagha. *Women and Culture Quarterly*, 13(4), 31-42. <http://noo.rs/05quy> (In Persian)
- Sharif al-Razi, M. (2007). *Nahj al-Balagha*. Translated by: M. Dashti. Qom: Bostan Kitab. (In Persian)
- Stanford, M. (2003). *An introduction to the philosophy of history*. Translated by: M. Sadeghi. Tehran: Imam Sadegh University Publishing House. (In Persian)
- Tabari, M. (1968). *History of the Ummah and Al-Muluk*. Research: M. Abulfazl Ibrahim. Beirut: Dar al-Tarath. (In Arabic)
- Tabarsi, H. (1998). *Makarem al-Akhlaq*. Qom: Sharif Razi Publications. (In Arabic)
- Tusi, M. (1994). *Al-Rajal*. Edited by: J. Al-Qayoumi. Qom: Jamia Modaresin. (In Arabic)
- Yousofian, Z. (2014). Investigating the areas of women's presence during the reign of Imam Ali. *Quranic Studies Magazine Namah Jamia*, 13(2), 11-91. https://qtc.jz.ac.ir/article_95284.html (In Persian)
- Zarkali, Kh. (2017). *Al-Alam*. Beirut: Dar al-Alam Lalmaine. (In Arabic)